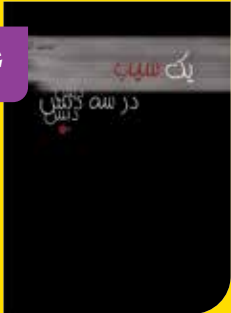


## یک سیب در سه دیس

۴



■ شاعر: محمد آشور  
■ ناشر: داستان سرا

«یک سیب در سه دیس» چهارمین کتاب محمد آشور، شامل ۴۵ شعر است که در ۹۶ صفحه و با نشان انتشارات داستان سرا در سال ۸۸ چاپ شده است. اگر کتاب اول آشور را در یک فولدر بگذاریم و دو کتاب بعدی او را در فولدری دیگر، این مجموعه شعر فولدری دیگر طلب می‌کند و در فولدرهای پیشین نمی‌گنجد! جدا از زبان که در این دفتر امضای مشخصی پیدا کرده، نگاه هستی‌شناسانه‌ی شاعر نیز در این کتاب نمودهای بیش‌تری یافته است. چاپ دوم این کتاب توسط نشر هشت منتشر شده است.

## من قصد کرده‌ام که می‌آیی...

۵



■ شاعر: محمد آشور  
■ ناشر: شانی

«من قصد کرده‌ام که می‌آیی... شاید تر از همیشه!» پنجمین مجموعه شعر محمد آشور، گزینه عاشقانه‌های اوست که در ۱۲۶ صفحه و ۷۲ شعر توسط نشر شانی در سال ۹۴ منتشر شده است. شعرهای این کتاب از میان شعرهای عاشقانه‌ی چهار کتاب پیشین شاعر انتخاب شده و حدود یک دهه از عاشقانه‌های شاعر را دربرگرفته است. عاشقانه‌های این مجموعه اما فضاهای متعدد و متکثری دارد.

## نت‌ها به ریل

۶



■ شاعر: محمد آشور  
■ ناشر: داستان سرا

«نت‌ها به ریل» ششمین کتاب شعر محمد آشور است که با ۴۴ شعر و در ۱۰۴ صفحه توسط انتشارات داستان سرا چاپ و پخش شده است. علاوه بر عنصر طنز که جابه‌جا در این مجموعه شعر نیز همچون اکثر دفاتر پیشین شاعر مجال ظهور و بروز داشته، آن چه به نظر می‌رسد، این است که شاعر در این کتاب بیش‌تر بر روایت متمرکز است و سعی دارد شیوه‌های مختلفی را برای روایت ارائه دهد.



اگر منظور شعرهای کوتاه، شعرهای «تقریباً» کوتاه است، بله! شعرهای تقریباً کوتاه «یک سایه در سپید» اغلب واجد فرم هستند و حتی اغلب هندسه کلمات در شعر نمود دارد اما این که بر این مسئله تمرکز داشته باشم، راستش نه! این رویکرد در شعرهای بلند من هم هست... حتی در شعرهایی که به ظاهر و در نگاه اول ساختارگریز به نظر می‌رسد هم ساختاری پنهان وجود دارد. در شعر کوتاه و با مصالح اندکی که در اختیار شاعر است، رسیدن به فرم کار سختی است. شعر کوتاه بیشتر در خدمت انتقال معنا، حس یا تصویرسازی است اما شاید در برخی از شعرهای کوتاه این مجموعه نیز بتوان بر این شاخصه انگشت گذاشت. شاید تعلق خاطر به شعر حجم در سازوکار ناخودآگاه ذهن من برای رسیدن به بعضی از فرم‌ها در شعرهای این کتاب بی‌تاثیر نبوده باشد و بشود از این منظر نیز بعضی از شعرها را واکاوی کرد. مثلاً، این که از تلاقی دو تصویر یا تضارب کلمات در سطرها افقی دیگر به روی معنا گشوده می‌شود و ابعاد دیگری از معنا تجلی پیدا می‌کند: «زیبایی وابسته‌ای دارم / بسته به چیزی که دام او شده‌ام / کهر بایم و / او در من مرزایا کرده است / و نیز در من / زیبایی هر صیدی مومیا می‌شود.» گاه همین رویکرد در پاره‌ای از شعرها به کشف ابعادی هستی‌شناسانه منجر شده که از پیش در ذهن شاعر نبوده و در لحظه شکل‌گیری شعر کشف شده است.

**همان‌طور که در جریان هستید، امسال بعد از دو سال تعطیلی نمایشگاه کتاب برگزار می‌شود. به جز این مجموعه‌ای که در سال ۱۴۰۰ منتشر کردید، آیا کتاب دیگری از شما در نمایشگاه امسال منتشر خواهد شد؟**

شوربختانه اطلاع موثقی ندارم. دو، سه سال پیش مجموعه شعر «نت‌ها به ریل» را برای تجدید چاپ به نشر هشت سپردم ولی هنوز منتشر نشده است. آن چه من می‌دانم، این است که کتاب مدت‌هاست آماده چاپ است و دو، سه ماه قبل که با ناشر صحبت کردم، گفتند به زودی طرح جلد آماده شده و نهایتاً ظرف مدت یک هفته منتشر خواهد شد. پس از آن، دیگر پیگیری نکردم و نمی‌دانم آیا به نمایشگاه می‌رسد یا خیر. راستش به دلایل عدیده آن قدرها هم ذوق و اشتیاقی برای انتشار آن ندارم.



هر شاعر آوانگارد همواره و در کلیت آثارش پیش‌قراول است و شاید شعرهای بسیاری را فدا می‌کند تا وجوه آوانگارد آثارش برقرار بماند. برای من اما اولویت با خود شعر است و اصراری برای پیشرو بودن ندارم. من به پیشنهادهایی که خود شعر می‌دهد، عمل می‌کنم و این است که آن می‌شود که گفتیم! از قضا وجوه آوانگارد مجموعه شعر آخر من «یک سایه در سپید» در سنجش با دفاتر پیشین کم‌رنگ‌تر است.

تغزل در شعر معمولاً در تصویر اتفاق می‌افتد و با تشریح وضعیتی رمانتیک از کنش و واکنش یک «من» عاطفی در ارتباط با یک «او» یا «تو»ی دور از دست. در شعرهای پیشین من هم اغلب همین رویکرد غالب بود؛ منتها در وجوه بیرونی اثر، اغلب کارکردهای زبان به گونه‌ای بود که به چیزی فراتر از بیان فحوا برسد... مثلاً گاه «کلمات» رقصی را تدارک می‌دیدند و در القای حسی از «شعف» یا غالباً «اندوه»، تصویر و معنا را برجسته می‌کردند و سعی داشتند درون‌مایه را اجرا کنند، نه این که صرفاً در نقش حمال معنا ظاهر شوند. در شعرهای اغلب کوتاه این دفتر اما گاه تغزل پشت یک بی‌تفاوتی ظاهری پنهان می‌شود. برای رسیدن به این کنش، عنصر طنز یا پاساژهایی برای خلق موقعیت‌هایی موازی با خط اصلی روایت به خدمت درمی‌آید اما این حرکت با هدف بی‌رنگ کردن پیرنگ حادث نمی‌شود، بلکه با کاستن از بار عاطفی تصویر قصد دارد به واقعیت زندگی نزدیک‌تر شود. و البته گاه مجال بروز همین پیرنگ‌های فرعی هم در سایه است و با ایهام... مثلاً سطر اول شعر «یک گل در این میان» می‌گوید: «از میان گل‌ها تنها تو را به یاد دارم» در حالی که در تقدیم‌نامه همین شعر آمده: «به نسرين و نسترن / به بنفشه، به لادن، همیشه‌های بهار / به انواع گل‌های یخ / و چند نفر از مریم‌ها» و احتمالاً بر هر چه «گل دختر» است، نظر دارد! یا جایی در شعر «کنارم که باشی» ابتدا شعر در فضایی رمانتیک شکل می‌گیرد: «کنارم که باشی / ابر بالشی است نرم‌تر از گرم / کنارم که باشی» اما ناگهان و پس از فاصله چند نقطه می‌خوانیم: «اگر نباشی هم!» این جاسطر «اگر نباشی هم» قرار نیست اعتبار «بودن» آن «تو» را مخدوش کند، بلکه نظر بر اعتبار محض حضور هر چیز و هر پدیده مستقل دارد؛ این که «ابر» در هر حال «ابر» است و «ابر» بودن آن وابسته به چیز دیگری نیست و هر چیز، «چیزی»ی خودش را دارد!

گذشته از این، به تفاوت شعرهای کوتاه این کتاب با شعر کوتاه رایج هم پرداختید. به این نکته اشاره کنم که بسیاری از شعرهای این دفتر دارای فرم و ساختار هندسی است، چیزی که کمتر در شعرهای کوتاه رایج مشاهده می‌شود. آیا بر این مسئله تمرکز داشته‌اید؟